

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محک باستانی

۱۳ مارچ ۲۰۱۱

## پاسخ به آقای باقی سمندر سخن گوی سایت گفتمان

(۵)

از زمان پخش قسمت چارم نوشته من تا حال شاید حدود یک هفته یا ده روز بگذرد. تاجائی که شواهد نشان می دهد، دست اندرکاران پشت پرده گفتمان بدون آنکه شهادت داخل شدن به میدان را داشته خود مسؤلیت دفاع از مواضع دشمن نوازانه خویش را داشته باشند ، باز هم همان دلکچ بی حیا را پیش نموده اینبار گویا با خبرنگار ساختن وی خواسته اند از آن عنصر همه روزرسوا ، یک «انسان» قابل «اعتماد» بسازند. این مانور را غربی ها خوب بلند اند. زمانی که یک عضو حکومتی و یا ماشین سرمایه خصوصی در افتضاحی زبانزد عام و خاص و مضمون پول درآوری مطبوعات مربوطه می شود ، آنگاه یک فرد یا مرجع بلند مقام آن کشور گویا اعتماد خود را به آن عنصر رسوا شده رسماً و علناً اعلام نموده و آن رسوای معلوم الحال هم با کمال وقاحت در پرده تلویزیون ظاهر شده و در رسانه ها اعلام می دارد که به صورت قطع در آن افتضاح دست نداشته ، آن موضوع یک سوء تفاهم بوده و یا توطئه مخالفان می باشد و امثال اینچنین عوام فریبی ها. نخبگان گفتمان هم برای حفظ "سنگینی" خود به همان مانور بادران غربی خود توسل جسته ، آقای سمندر را که در رسوائی دیگر هیچ چیزی برای از دست دادن ندارد ، به سان "سپر بلا" به کار می گیرند. همچنان مانور هائی از قبیل نشر ترجمه "اصول بین المللی اخلاق حرفه یی در ژورنالیزم" و کاربرد کلماتی از قبیل "دژخیمان خاد" در مقالات سایت گفتمان ، تلاش هائی اند تا از یک طرف کثافت متراکم از پشتیبانی وطن فروشانی چون صمد ازهر را به زعم خود از سایت بلندگوی وطن فروشان بشویند و از طرف دیگر با محکوم نمودن مصلحتی "دژخیمان خاد" ، آن عده ای از هموطنانی را که ظرف چند هفته گذشته به صداقت ملی و اخلاق خبرنگاری مسؤلین گفتمان مظنون شده اند ، باز هم دچار تردید و دودلی نمایند. مزورانه ترا همه نصب عکس جدی و اخم کرده جانی بدنام - صمد ازهر - به جای عکس نیشخند دراکولائی وی در سایت گفتمان است زیرا به زعم آنها همه جنایات وطن فروشان بی وجدان خلقی - پرچمی ، این آغازگران بدبختی های اضافه از سه دهه مردم رنج دیده و حرمان کشیده ما ، گویا بر سر همین "لحاف ملانصرالدین" بوده و با تغییر عکس آن

خانن به مردم ووطن ، مواضع و دیدگاههای مسئولین سایت گفتمان هم تغییرکیفی نموده دیگر اعتراضی دربین نخواهد بود. این را می گویند تحمیق!

ولی متأسفانه عده ای رضاکارانه به چنان تحمیق وقارزدائی تن در داده اند و با وجود همه افشاگری هائی که در مدت چند هفته گذشته در سایت وطنپرستان غیور «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» به عمل آمده است ، هنوز هم به مشاطه گری یک سایت خائن پرور و ضد ملی ادامه می دهند. از اعضای محترم «انجمن زنان دموکرات افغانستان» که معلوم نیست کی ها در ترکیب آن سهم دارند ، باید پرسیده شود که شما به نام روز زن در ۸ مارچ پشتیبانی تان را از زنان محروم اعلام نموده اید و یا از سایت درمانده و رسوای گفتمان؟ از جانب دیگر ، آیا با تمام شرافتی که مطمئناً با آن مزین هستید و حتماً خود را مدعی مدافع مردم تان می دانید ، آیا ننگ نیست که نشان انجمن شما در سایت گفتمان در جبین عکس صمد ازهر ، این وطنفروش و قاتل صدها و شاید هم هزارها هموطن بیگناه ما بیرش شده است؟ شما در فردای این شام تاریک تجاوز به خاک و وطن ، کشتار افغان ها به دست اشغالگران فاشیست غربی و تاراج دارائی های ملی ، چه گونه و با چه توجیهی به مردم پاسخ خواهید گفت؟ امید است حداقل یک یا چند فرد معدود هم که شده از جمع شما به عاقبت موضعگیری تان بعد از این همه رسوائی های سیاسیون گفتمان به تعمق و تعقل بپردازد.

خوشبختانه که همه به تجاها ، تبانی و یاهم پرروئی متوسل نمی شوند و ما دیدیم که دوتن از افراد آزادیخواه و شناخته شده صحنه سیاسی و فرهنگی جامعه انترنیتی افغانها ، شجاعانه و قاطعانه نام و تصویر خود را از سایت خدمتگاران استعمار و ارتجاع حذف نمودند ؛ که امید هموطنان دیگر ما این واکنش شریفانه را ، با همدردی با قربانیان وطنفروشان دیروزی و امروزی و وطن ما ، سرمشق قرار داده بیشتر از این داوطلبانه خود را شریک دفاع از جنایت و خیانت ملی نسانند!

همچنان باید خاطر نشان سازم که نشر نشر ترجمه "اصولین المللی اخلاق حرفه یی در ژورنالیزم" و مانور های مشابه آن در سایت گفتمان دقیقاً معطوف ساختن توجه به موضوع دیگر و دور ساختن بحث از تقبیح و محکوم نمودن صمد ازهر و همدستانش در سایت گفتمان را هدف قرار می دهد...

باز هم برمی گردم به میمون گفتمان که در پایان صفحه ۹ چرندنامه مؤرخ ۱۷ فیروزی خود باز هم به شاخ دیگری می پرد:

(۱) "خوانندگان گفتمان تا حال در مورد زندان و یاد داشت های زندان در گفتمان زیاد خوانده اند ... در گذشته ها در مورد شادروان مجید تنها ثریا بها نوشت بلکه حتی نوشته های مستنطق شادروان مجید نیز پخش شده اند. نمیدانم بخاطر دارید که در سایت افغان جرمن چه کسانی به شادروان مجید تاخت و تاز می نمودند و چه کسانی در گفتمان از شادروان مجید دفاع میکردند؟" (۱)

آقای سمندر! اگر ذره ای شرافت و وجدان در شما «باقی» مانده باشد ، به پاس خاطره سترگ ابرمرد حماسی کشور ما - که هیچ کرگس مداحی از قماش خلقی - پرچمی و از قماش خلقی - پرچمی های امریکائی قماش گفتمان - قادر نخواهد بود وی را به نفع خود مصادره نماید، آن شهید والا مقام راه آزادی و هزاران شهید گمنام هم مقام او را وسیله توجیه و وطنفروشی های رسوا و سازش با قاتلان آنها نسازید!!! این را هیچ عقل سلیم نمی تواند باور نماید که مستنطقان و قاتلان مجید ، بیش از سه دهه بعد از شهادت وی به یاد وی "اشک تمساح" ریخته و مردم هم این عوامفریبی رسوا و سرهم بندی شده توسط همدستان و وطنفروشان خلقی - پرچمی (شما آقایان!) را یک امر عادی "اخلاقی" و "انسانی" تلقی نموده بر تحریف تاریخ ، آنچنان که به کمک صمد ازهر به آن مصروف هستید، کورکورانه صحنه گذارند. آقایان! این شما هستید که کورخوانده اید نه مردم تیزبین و دشمن سوزما!

آقای سمندر! شما که چندبار به عنوان شارلتان نام پرافتخار مجید قهرمان را در ذهن کثیف تان ملوث ساخته اید ، آیا این را نمی دانید که ثریا بهاء ، خانم صدیق «راهی» (مشهور به صدیق «خر») یعنی زن برادرنجیب «گاو» است و نوشتن وی درباره مبارز قهرمان و دلیر مردم - دشمن سوگند خورده و وطنفروشان خلقی - پرچمی - سرآغاز دسیسه ای برای پوچ ساختن خاطره جاودانی آن ابرمرد و نفی مبارزات امروزی یاران صدیق و تسلیم ناپذیری بوده است؟ به همین ترتیب نوشته مستنطق مجید هم جزء همان دسیسه راه انداخته شده توسط استعمار اشغالگرو ارتجاع چند سره مزدور است که فقط می تواند در خدمت اهداف ضدملی و ضد انقلابی بیگانگان قرار گیرد. امید سرانجام راهیان صدیق و پایدار مجید به خود آمده نگذارند که گله و وطنفروشان و دلالان سیاسی بی آرم آنها، بیشتر از این نام پر عظمت مجید و مجیدها را بازیچه اهداف شوم تبلیغاتی ، سازشگرانه ، مزدورمنشانه ، خائنه و جنایتکارانه خود بسازند ؛ و به ضد تلاش های وطنفروشان خلقی و پرچمی و همدستان انقیادطلب آنها برای مصادره ثمره جانبازی های مجید به نفع خیانت و تبنانی نوین در کشور ، دست به قلم برده صریحاً اعلام موضع نمایند.

آقای سمندر که در سه سطر ختم صفحه ۹ نوشته خود ، سه بار از یک موضوع به موضوع دیگر خیز می زند ، نمی گوید که ارتباط "زندان" و "یادداشت های زندان درگفتمان" با نوشتن پرچمی ها «درمورد شادروان مجید» چیست مگر شخصیت بخشیدن به یک عنصر "مشرف به موت" که آقای سمندر انتظار دارد تا از وی برای محکم ساختن "سنگریگی" خود به ضد من و معترضان دیکر به سیاست های سایت گفتمان بهره برداری کند؟ در ضمن ، آقای سمندربه سان غریقی که به هر خس و خاشاک دست می اندازد ، می خواهد باز هم از نام پرافتخار مجید شهید ناجوانمردانه سوءاستفاده نموده و برای برائت خود از اتهام مشهود تبنانی با صمدازهرودیکر پرچمی ها و وطنفروشان رنگارنگ ، وثیقه بسازد و برای این کار "تاخت و تاز" بر مجید در سایت افغان جرمن و "دفاع از مجید" در سایت گفتمان را پیش می کشد. آقای سمندر! مگر به کرات و دم چشمان پرسشگر مردم ما به اثبات نرسیده که مسئولین افغان جرمن و مسئولین گفتمان از یک آبشخوار استعمار و اشغال سربلند می کنند؟ شما با این بازی های مکارانه و عوامفریب تان ، نشسته در پهلولی وطنفروش رسوائی چون صمدازهر ، سرانجام چه چیزی را می خواهید به ثبوت برسانید؟ مردم ما هشیارتر از آنند که مالخولیائی از قماش آقای سمندر بتواند آنها را به سان "شریک دزد و همراه قافله" بفریبد.

۲) "اینک آنهایی که سالها مشکلات خود را با چند نفر در گوشه مغزشان نگهداشته بودند ، به برکت شراب ارزان همه کینه و کدورت شان را بیرون داده اند. صمدازهر را بهانه ساخته و به گفتمان و کسانیکه میدانند از مخالفین بیشتر از چهل سال حزب گویا دیموکراتیک خلق و طرحات و عملکرد های شعبه ها و فراکسیونهای پرچمی و خلقی و سایرین شان بوده اند ، تاخت و تاز می نمایند."

مسلاً آقای سمندریا همه حاشیه روی شان از شاخی به شاخ دیگر ، باز هم به تناب فردی ساختن موضوع صمدازهر خود را آویزان نموده ، با آن گازی خورد. نه آقای سمندر! نه من و نه هم عده دیگر معترض به شما ، مشکلات مغزئی از نوع مشکلات شما داشته ایم که سالها آن را در "گوشه مغز" خود نگه داشته و به عنوان "کینه و کدورت" گویا "بیرون" دهیم! راجع به اتهام "شراب نوشی" که متوجه محترم سید موسی عثمان هستی بوده است ، خودشان قبلاً به شما تفهیم نموده اند ولی آنچه به "بهانه" قرار دادن صمدازهر جهت "بیرون دادن کینه و کدورت" مربوط می شود ، به شما "انسان" نادان بایست باز هم گوشزد شود که آن کینه و کدورت نه تنها به حق بوده بلکه همگانی می باشد. شما و همپالگان تان درگفتمان سوگند یاد نموده اید که جنایات صمدازهرها و خائنین گوناگون را

شخصی جلوه داده و در رفاغه مندرس عاطفی نوع خودتان ببیچانید ، در حالیکه به خوبی می دانید که دشمنی با وطنفروشان خلقی و پرچمی (روسی دیروز و امریکائی - غربی امروز) دشمنی موجه و به حق مردم ما با آنها می باشد نه دشمنی خصوصی. پس تمام یاوه سرائی های شما در جهت فردی ساختن خصومت مبارزان متعهد با وطنفروشان رسوا ، اندک ترین اثری نمی تواند داشته باشید. به عکس ، مذبحخانه بودن تلاش های سیاسیون گفتمان ، برای پنهان نمودن خیمه شب بازی شان با دشمنان مردم ، را برملا می سازد.

آقای سمندر! نه من (ونه هم معترضان دیگر) ، ضرورتی به بهانه ساختن صمداز هر برای "تاخت وتاز" به گفتمان نداشته ایم. این همان احترام به حق آزادی بیان افراد ، احترام به آزادی عمل سایت ها و حرمت گذاشتن به تنوع افکار بوده که مانع شده بود مستقیماً سیاسیون سایت گفتمان (ونه حتماً شمای ناچیز) را مورد حمله قرار بدهیم. این وقاحت غیرقابل باور- ناشی از سازش مسؤولین گفتمان با دشمنان مردم و عملی ساختن مصمصانه آن در چوکات سایت گفتمان بود - که موجب شد ، من سکوت بیشتر در برابر خیانت ، تبانی ، ردالت دفاع از خائنینی چون صمداز هر و به خصوص تبلیغ "سربازانه" و "آزادانه" به نفع وی را ننگ تاریخی دانسته در راه افشای آن پیشقدم شدم. اینکه مسؤولین "مورد حمله قرار گرفته" سایت گفتمان بیش از چهل سال با خلقی ها و پرچمی ها مخالف بوده اند ، باشد به جایش ولی حقایقی که دم چشم ما می گذرد و شما ممثل بی شعوروبی اراده آن هستید ، عکس ادعاهای تان را به اثبات می رساند.

۳) "من برای شما نویسندگان چه سیدموسی و چه محک باستانی پیشنهاد مینمایم: بنویسید و باز هم بنویسید. من تا زنده خواهم بود نوشته های شما را بی پاسخ نخواهم گذاشت."

آقای سمندر! من مدتهاست که برزنده بودن شما شک دارم؛ و اینکه شما از هفته ها به اینس نوشته های من و دیگر هموطنان را بی پاسخ گذاشته اید ، نتیجه دیگری نمی توانم بگیرم به جز این که شما از قید یک "زندگی" شرم آور آزاد شده اید.

۴) "اگر سایت گفتمان از نشر مقاله های من بنا بر هر دلیلی جلوگیری نماید ، در سایت خودتان خواهم نوشت و یا در سایت دیگری ، اما باور داشته باشید که مخالف سرسخت هر نوع ترور بوده ام و میباشم و ترورشخصیت را بدترین نوع ترورها میدانم."

آقای سمندر! سیاسیون پشت پرده گفتمان که نه تنها با شما هم عقیده اند بلکه عملاً شما را در قبضه خود داشته به سان ابزار بی اراده به کار می برند ، چگونه ممکن است مقاله های شما را نشر ننمایند؟ در زبان عامیانه مردم ما به این می گویند "نخره". من مطمئنم که سایت خودما (پورتال پرافتخار "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان") هیچگاه دست رد به دریافت مقالات شما نخواهد زد و شما مانند هر فرد دیگری حق ارسال مطلب را به آنجا خواهید داشت ولی خوب ملتفت هستید که مسؤولین "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" - عکس سایت هائی از قماش "دیگ دلد" و سایت مرده و بی واکنش گفتمان - هیچگاهی چرندیات و وطنفروش پرستانه شما را به اصطلاح "چشم پت" نشر ننموده و با منطق بران و دشمن افکن با آن برخورد خواهند نمود که مطمئناً شما چنان "لت خوردن" را به خود روادار نخواهید بود ؛ اما اینکه به "سایت دیگری" مقاله بفرستید ، حق مسلم تان است و سایت های انقیادطلب ضدملی کم خواهند بود که از شما استقبال نمایند... چارطرف تان قبله!

۴) "اینکه بمن تاخت و تازمینمائید یابہ رسول رحیم یابہ گفتمان یا بہ محبوب اللہ کوشانی! بدانید کہ شما درپی ترورشخصیت افراد برآمده و صمدازهرراہبانہ ساختہ اید!"

آقای سمندربازہم بہ علت «سالہا مشکلات» متراکم در "گوشہ مغز" شان بہ ہذیان گوئی آغازنمودہ اند و سخن از ترور و ترورشخصیت می زنند. اینکہ شما "مخالف سرسخت ہر نوع ترور بودہ و میباشید و ترورشخصیت را بدترین نوع ترورها میدانید" ، بازہم این حق شما ست و من ہم این ادعای شماراہ بہ عنوان فرضیہ یک "انسان" با تفکر "آزاد از نوع باقی" می پذیرم ولی اگر منظور شما بازہم دفاع از صمدازہر باشد ، بدانید کہ آن فرضیہ بہ صورت آنی بسان برف در زیر آفتاب آب شدہ و فقط نم آزان باقی خواہد ماند! و ہرگاہ منظور ترورشخصیت خود شما باشد ، این را کاملاً مطمئن و خاطر جمع باشید کہ هیچگونہ خطری آزان ناحیہ متوجہ شما نیست زیرا از ترور چیزی کہ ندارید نباید بہر اسید. همچنان باید بگویم کہ من تا ہمین لحظہ و در ہیچیک از نوشتہ ہایم از رسول رحیم نام نبرده ام و نہ ہم بروی تاخت و تاز نمودہ ام ولی اگر رسول رحیم در خیانت ہا و تباہی ہا و پرچم ستائی و از ہر ستائی ہای شما شریک باشد ، پس ہمہ آنچه را بہ شما رواداشتہ ام ، بہ ایشان و امثال ایشان کہ در پشت پردہ گفتمان پنهان ہستند ، سخاوتمندانہ نثار می نمایم!

ادامہ دارد

یادداشت:

(۱) قسمت های نقل شده از مقاله آقای سمندر ویراستاری نشده است. در نتیجہ مسؤلیت کاستی ہا و اغلاط آن املائی آن متوجہ شخص شان می باشد

ادارہ پورتال AA-AA